

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

گزارشها	Reports
---------	---------

سیامک ستوده

۲۸ می ۲۰۱۴

گزارش جزئیات استفاده از مهاجرین افغان در جنگ سوریه

اخیراً روزنامه آمریکائی وال استریت جورنال گزارش داده است که جمهوری اسلامی هزاران مهاجر افغان را در قبال پرداخت ماهیانه ۵۰۰ دلار و اعطای حق اقامت، به جنگ در سوریه می فرستد. ضمن تأیید این گزارش، جزئیات دقیق تر این اقدام جنایت کارانه جمهوری اسلامی را که اینچنین از شرایط ناگواری که خود برای کارگران و مهاجرین افغان در ایران فراهم کرده، به نفع خود بهره برداری می نماید، به اطلاع می رسانم.

جمهوری اسلامی قبل از اعزام مهاجرین افغان به سوریه به مدت ۴۵ روز آنها را تحت آموزش نظامی فشرده قرار می دهد. سپس با پرداخت حقوق ماهیانه ای معادل ۱.۵ میلیون تومان آنها را روانه جبهه جنگ سوریه می نماید. در صورت به قتل رسیدن در جریان جنگ مبلغ ۷۵ میلیون تومان در یک نوبت، و ماهیانه ۷۰۰ هزار تومان مادام العمر به خانواده آنها پرداخت می کند، و در صورت زنده ماندن و بازگشت سالم از جنگ، آنها را از حق اقامت قانونی در ایران تنها برای سه ماه و حق گردش آزاد در تمام نقاط کشور به خرج خود در این مدت نیز برخوردار می نماید. در پایان این مدت سه ماهه، اقامت بیشتر در ایران برای آنها غیر قانونی بوده و مانند سایر افغان های مهاجر باید راهی کشور خود افغانستان شوند.

در ضمن، همانطور که در گزارش وال استریت جورنال نیز آمده است مرکز این اقدامات در شهر مشهد و استان خراسان می باشد و هم آنجاست که ما شاهد بیشترین رقم تشییع جنازه های مهاجرین افغان بوده ایم. شاهدان عینی گزارش داده اند که مواردی بوده است که در آنها تنها در یک مورد ۵۰ جنازه در مشهد تشییع شده است. اخیراً به دنبال افزایش رقم کشته شدگان افغان در جنگ سوریه و خطر افشای توطئه جمهوری اسلامی در امر اجیر کردن مهاجرین افغان برای جنگ در سوریه، از ورود کشته شدگان و تشییع جنازه آنها در ایران جلوگیری به عمل آمده است. لازم به یادآوریست که این اطلاعات از گزارشات زنده کارگران و مهاجرین افغان در ایران به دست ما آمده اند. سیامک ستوده

۲۲ می ۲۰۱۴

افزوده پورتال:

این که از فقر، ناداری، بیسوادی و ناچاری افراد سوء استفاده نموده و آنها را به مثابه سرباز مزدور به اینجا و یا آنجا بفرستند، می خواهد از طرف هر کسی که باشد نه تنها جنایت علیه خلق مورد تهاجم می باشد، بلکه جنایتیست علیه بشریت و ارزش های متعالی انسان پیشرو. در نتیجه ما ضمن آن که این سیاست رژیم ولایت فقیه را با قاطعیت محکوم

می‌نمائیم، خود را موظف می‌بینیم تا خوانندگان عزیز پورتال را اندکی با پس‌منظر «استفاده از افغان به مثابه سرباز مزدور» نیز آشنا نموده، توجه آنها را به چرایی و بزرگنمایی چنین پروپاگندی نیز جلب نمائیم:

تا جایی که از وقایع سه دهه گذشته بر می‌آید، استفاده از «مجاهد افغان» و نام وی که افتخار پیروزی بر ارتش به ظاهر سرخ‌مگر در واقعیت تا مغز استخوان سیاه و پوسیده شوروی را در عقب خود پدک می‌کشید، به دنبال استفاده‌های متواتری که رژیم آخندی حین جنگ با عراق به عمل آورده و از آنها به مثابه گوشت دم‌توپ سوءاستفاده نمود، برای بار اول به وسیله امپریالیزم جنایت‌گستر آمریکا، حین تجاوز اولش بر عراق در دوم اگست ۱۹۹۱ بود.

هر چند در آن زمان، مجاهدین و تنظیم‌های ساخت پاکستان و ایران در افغانستان به قدرت نرسیده بودند و داکتر نجیب جلال «ک. ج. ب.» آخرین نفس‌های رژیم دست‌نشانده را در کابل شاهد بود، با آنهم چون امپریالیزم جنایت‌گستر آمریکا و ماشین نظامی آن نیاز به آماده‌سازی اذهان، به خصوص اذهان به اصطلاح جهان اسلام را به شدت احساس می‌نمود و نمی‌خواست، تجاوز و جنایاتش علیه عراق، باعث تحریک اذهان مسلمانان جهان گردد، در حدود ۳۰۰ تن از مجاهدین را که عمدتاً نیروهای مولوی خالص، جمعیت و اتحاد سه‌گانه در آن شامل بود، به مثابه پیاده‌نظام نیروهای امپریالیستی مورد استفاده قرار داد.

با آن که رابطه بین مجاهدین افغان و نیروهای امپریالیستی در جریان اقامت آنها در پاکستان، چه به صورت مستقیم و چه هم به صورت غیر مستقیم وجود داشت و در تمام دورانی که مردم ما دلیرانه به خاطر نفی استعمار روس از خون‌شان مایه می‌گذاشتند، رهبران دست‌ساز پاکستانی مقاومت رسمی سر در آخور استعمار و ارتجاع داشتند، مگر شرکت آنها در جنگ خلیج و آزادسازی کویت که طرف دیگر آن انقیاد و نابودی یکی از مرفه‌ترین کشور های عربی یعنی عراق بود، به مثابه نقطه عطفی در این همکاری به شمار می‌آید. چه از آن به بعد است که حضور فزینگی و اعتبار روانی مقاومت ظفر مند مردم افغانستان علیه اشغالگران شوروی دیروز به وسیله «مقاومت رسمی» یعنی مجاهدین در معرض خرید و فروش قرار داده شد.

آنچه در تمام این خرید و فروشها از اهمیت بسزائی برخوردار بوده است، بیشتر از ارزش حضور فزینگی مجاهدین افغان، پیامی را که حضور آنها با خود حمل می‌نمود بود، پیامی عادلانه بودن جنگ، پیام آزادیخواهی و پیام پیروزمندی و ظفر. در غیر آن مبرهن است که در موجودیت ۵۰۰ هزار سرباز مسلح امریکائی و حدود ۲۰۰ هزار دیگر از این طرف و آنطرف، همه غرق در اسلحه و برخوردار از بالاترین آگاهی نظامی، حضور ۳۰۰ افغان از لحاظ جنگی چیزی نبوده که بتواند بر سرنوشت جنگ با در نظر داشت تغییرات فاحشی که بین ساختمان ارضی افغانستان و عراق وجود داشت، کوچکترین اثری بگذارد.

برای دومین بار نام افغانها و مجاهدین افغان، حال به صورت حضور فزینگی و یا هم روانی در جریان وقایع الجزایر و سرکوب مقاومت اسلامی آن به گوش رسید، منتها اینبار در کنار مقاومت اسلامی آن دیار و علیه دولت کودتائی الجزایر که نمی‌خواست شاهد به قدرت رسیدن حکومتی از نوع حکومت مجاهدین افغانستان، در الجزایر گردیده به آنها این امکان را مساعد بسازد تا تمام مدنیت و تاریخ آن کشور را به صفر ضرب زده، از درون آن سیستم طالبی را به وجود بیاورند.

در اواخر دهه نود قرن گذشته، و به دنبال آن که جنگجویان مزدور افغان، به مثابه پیاده نظام ارتش امپریالیستی در ویرانی و تجزیه یوگوسلاویا و تجاوز بر جان و مال مردم بیچاره آن میزان کارائی خود را به امپریالیزم به اثبات رسانیدند ارتجاع هار پاکستان که قادر شده بود در افغانستان طالب را به قدرت برساند، استفاده مستقیم از آنها را در دستور کار خود قرار داد؛ در نتیجه استخبارات نظامی آن کشور یعنی «آی. اس. آی.» در همسویی کامل با سیاست مداران فاسد و انسان ستیز پاکستان که در آن زمان چون اینک «نواز شریف» در رأس آنها قرار داشت، آتش جنگ در

منطقه کشمیر را دامن زده، جنگجویان مزدور افغان را به مثابه هیزم خشک آن، در کشتارگاه های دولت هندوستان روانه می داشت. حاکمیت ارتجاعی و ضد انسانی پاکستان، از آن حرکت در خطوط کلی آن دو هدف را در نظر داشت؛ نخست استفاده از اعتبار نظامی پیروزمندانه مجاهد افغان و در ثانی گریز از حسابدی برای دولت هند و مجامع بین المللی در صورت بیخ پیدا کردن قضیه. کاری که به گفته پرویز مشرف، منطقه را تا آستانه یک جنگ اتمی نیز پیش برده بود.

آخرین مورد مشخص این پیوند و استفاده ابزاری از افغانها در جبهات جنگ خارج از افغانستان و آنها را به مثابه کبوتران بال قیچی و دست آموز پرورش دادن بر می گردد به حدود سه سال قبل یعنی ۲۲ اگست ۲۰۱۱ که قذافی در آن سقوط نمود. همه به یاد داریم که به خاطر از قدرت به زیر کشانیدن قذافی و کشور لیبیا را تاراج نمودن، سیستم امپریالیستی و در رأس آن امپریالیزم جنایت گستر آمریکا، از اطراف و اکناف جهان، هرچه نا انسان در دسترس قرار گرفت، در دستش یک تفنگ گذاشته، وی را به لیبیا اعزام داشت، در اینجا امپریالیزم قادر شده است به جای محدودیت استفاده از نیروی مخرب و ارتجاعی افغان، از نیروهای مشابه نیز در به اصطلاح جهان اسلام استفاده نماید. این حرکت می تواند به مثابه نقطه عطف دیگری به شمار آید، نقطه عطفی که امپریالیزم قادر می گردد از به اصطلاح تمام جهان اسلام سرباز مزدور تدارک دیده و آنها را در تمام کشور های به اصطلاح اسلامی زیر عنوان القاعده و جهادی ها به جنگ مخالفان خود اعزام بدارد، اوج چنین حالتی را طی بیش از سه سال می توان در سوریه مشاهده نمود. اوجی که به استناد رسانه های امپریالیستی، بیش از ۷۰ هزار داوطلب- بخوانید نیروهای مزدور و وابسته به امپریالیزم- از اکناف جهان در سوریه جمع شده، طی این مدت تمام تلاش شان را به خرج دادند تا آن کشور را به سرنوشت افغانستان، عراق و لیبیا دچار بگردانند.

جان مطلب در این است که در چنین حالتی، وقتی رسانه صهیونیستی وال استریت، به درستی موجودیت افغانها را در سمت رژیم اسد، افشاء می نماید و امکان آن را به وجود می آورد تا از چنین منظری هم رژیم ضد بشری ولایت فقیه آماج حملات به حق نیروهای انقلابی، آزادیخواه و انساندوست قرار گیرد، چرا در مورد آن ۷۰ هزار دیگر که به یقین بین آنها نیز بیش از هزاران افغان، افغانی که در قید رقیت و بردگی استعمار قرار گرفته، و با دلالتی «آی. اس. آی.» به وسیله عربستان سعودی مسلح شده و زیر نام ایجاد حکومت اسلامی و مبارزه علیه کفر و شیعه، سربریدن را در سوریه تمرین می کند، سکوت می نماید؟

نکند این سکوت در یک جانب و افشاء گری از جانب مقابل، بدین منظور صورت نگرفته باشد، که جنگ مذهبی شیعه و سنی را بخواهند از سوریه به افغانستان انتقال دهند؟ نکند تمام این زار نمائی ها، به هدف مشتعل ساختن جنگ مذهبی بین مردم افغانستان، ایران و پاکستان باشد، یعنی جایی که مقدمات آن را فراهم نموده اند، و ما نمی دانیم؟

پورتال «افغانستان آزاد- آزاد افغانستان» به مثابه یگانه نهاد انترنیتی که در تمام این مدت رایت و درفش پیشتازی دفع تجاوز و اخراج اشغالگران، آزادی کشور، حفظ تمامیت ارضی، دفاع از منافع مردم افغانستان و بهروزی آنها، مبارزه علیه ارتجاع هار مذهبی و غیر مذهبی را شجاعانه بر دوش کشیده و نه تنها از هیچ نوع تهدید و زورگوئی هراسی به دل راه نداده است، بلکه علیه تمام توطئه های گوناگون و برخورد های به ظاهر دوستانه جیون و مدعا طلب، در سنگر خود ایستاده است، این را حق و وظیفه خود می داند، تا ضمن آن که استفاده ابزاری از مردم افغانستان در هر جا و به وسیله هر کسی که باشد، به شدت محکوم نماید، از مردم دلیر افغانستان نیز بخواهد، تا جنگ علیه دشمن را به تبادل آتش تفنگ محدود نساخته، با کشف توطئه های دشمنان رنگارنگ مردم افغانستان و مبارزه قاطع علیه آنها، از هویت، اعتبار مبارزاتی و وحدت کشور خویش با تمام قواء صیانت نمایند.

اداره پورتال - AA-AA